



## غیرانتفاعی

خصوصی سازی در آموزش و پرورش

فرصت یا تهدید؟

• امانت شریفی به نام انسان

• چرا که معلّم زاده شده‌ایم

• تقویم خاص

• ما کجای کاریم

• در دنیای مک آلیسترها و گیل نولان‌ها تو کیتینگ باش

• چگونه معلّم موفقی باشیم

• مسیر؛ گامی به سوی تحول



آن سری که به تایید سخنان مهمل یا روا سر تکان می‌دهد، نوازش  
دستان تو را چشیده.

خلاصه آدمی که بر روی زمین راه می‌رود و کنش و واکنش انجام می  
دهد؛ محصول تربیت توست.

گویی همه بیانیه‌ها و فرمان‌ها و ... از جانب توست!

به موجب این تاثیرگذاری است که می‌گویند معلم نقطه آغاز است!

حال دوست معلم من! حال جهانمان خوب نیست! خوب خواهد شد؛  
اما به مدد تو.

انسان -حاصل تربیت من و تو- در سرگردان‌ترین و تاریک‌ترین  
روزهایش، در کمره‌ی گاه‌مهربان و گاه‌نامهربان خاکی قرار دارد. بی‌راه  
نیست اگر بگویم که انسان این قرن پوچ شده است!

نگاهی به خیل عظیم مصرف‌کنندگان صرف کالا بینداز! به رده سنی  
اعضای مشهورترین شبکه‌های اجتماعی نگاه کن! پیروان صنعت مد و  
پورن را ببین! جوانان و نوجوانان نشسته بر کنج اتاق و خیره بر  
نمایشگرها و خالی از فکر ارزشمند و دغدغه‌مند در حوزه مد و پیروان  
راستین چالش‌های مجازی را ببین!

بیانیه‌ها و جنگ‌ها و اشک کودکان جنگ‌زده را ببین!

دوست معلم من! تغییرات را ببین. انسان معاصر در محاصره جنگ و  
بیماریهای واکسیناسیون و شبکه‌های اجتماعی؛ خود و گوهرش را گم کرده  
است. انسان این عصر به جرقه‌ای برای یادآوری «آنچه که بود» نیاز  
دارد. برای از قلب خواستن منجی جرقه‌ای نیاز داریم.

انسان معاصر برای بیان نیازمندی خود به چیزی که نمی‌دانم چه زمانی  
به بشر خواهد رسید؛ ولی می‌دانم که هست و همه چیز برای «هستی»  
اوست، به جرقه‌ای نیاز دارد.

جهانمان گرچه این روزها حالش خوب نیست، اما این حال بد و این  
غم سایه افکننده بر حیات بشری؛ سرآغازی لازم برای آن چیزی است  
که آن را «ظهور منجی» می‌نامیم.

گفتم جرقه... تو حاضری آن جرقه باشی؟ برای کودکانی که چشم به  
دهان تو دوخته‌اند؛ جرقه می‌شوی؟ جرقه می‌شوی برای روشن کردن  
چشم و قلب آدم‌های فردای زمین؟

میدانم سخت است. سخت اما شدنی...

برای همین است که ما معلم، زاده شده‌ایم!

معلم زاده شده‌ایم تا نقطه آغاز آنچه «باید بشود» باشیم!

فرشته مؤذن زاده

## امانت شریفی به نام انسان



یکی از ویژگی‌های انسان کامل امانت داری است؛ خصوصاً  
افرادی که مسئولیت تربیت جامعه را عهده دار شده‌اند؛ باید  
بدانند که امانت آنها «انسان» است. به بیان دیگر رشد و  
تربیت جانشین الهی به آنها واگذار شده.

باتوجه به متفاوت بودن شخصیت افراد؛ در نظر گرفتن  
ویژگی هر شخص در نحوه‌ی یادگیری او موثر است. به  
عنوان مثال در آموزش فردی که در پذیرش امور منطقی  
برخورده می‌کند؛ مسائل بدون لفافه بازگو می‌شود. ولی  
در مورد افرادی که در پذیرش امور عناد می‌ورزند؛ ممکن  
است اشاره به نتایج سودمند و مضرات بی‌توجهی به آن؛ در  
کاهش سربیزی فرد موثر واقع گردد.

با توجه به نکته فوق در بحث «تربیت دینی» یا «ایجاد علاقه به توجه  
و پابندی نسبت به واجبات» در افراد، فرد منطقی با توجه به لزوم  
اطاعت و بندگی برای فرد منعم سر به سجود می‌ساید. اما  
افرادی هم هستند که با این مسئله برخورد منطقی ندارند.

لذا می‌توان با بیان عواقب پشت کردن بر منعم و دور شدن  
از سرچشمه‌ی نعمت؛ آن‌ها را آگاه نمود که هر چه از منبع  
نور دور شویم، گریزی از تاریکی نخواهیم داشت و با ورود به  
تاریکی مطلق از ترس و وحشتِ بلایای پیش رو؛ بالاخره به  
جستن نور خواهیم شتافت.

سیده عاطفه غدیری

## چرا که معلم زاده شده‌ایم!

سخن گفتن از رسالتی که بر عهده‌مان است، آسان نیست. انجام  
صحیح این رسالت به دور از رنگ پذیری هم آسان نیست.  
تو معلمی. شاگردانت باید فرزندان باشند، همه توانست باید در راه  
خدمت به شاگردانت باشد.

می‌دانی چرا؟

شاگردان تو فردای زمینی را می‌سازند که در حال حاضر تنها خانه ماست.

آن سیاستمداری که دستور به جنگ می‌دهد، شاگرد توست.

آن دستی که بذر محبت می‌کارد، روزی قلم به نگارش انشای محبت  
در کلاس تو جنبانده است.



## تقویم خاص

سال ۱۳۹۹ از دریچه نگاه دانشجو معلمی



هرسالی که پشت سر گذاشته و قدم در سال جدید می گذاریم، یادگارمان از این مسیر طی شده؛ خاطرات، تجربیات، اتفاقات و اندوخته هایی است که در ذهنمان شده است. با نظر به این که ما در تاریخ نفس می کشیم می توان این خاطرات ثبت شده را؛ حافظه تاریخی نامید.

حال من و شما در نود و نهمین بخش از حافظه ی تاریخی خودمان چه چیزی را ثبت کرده ایم؟

از کرونا و اتفاقات پیرامون آن؛ مثل از دست دادن میلیون ها هممنوع و داغدار شدن میلیون ها قلب که بگذریم، ما فرهنگیان با چشمانمان از وقایع قابل توجهی عکس برداری کرده ایم.

زمانی که موریانه کرونا به درخت زندگی حمله کرد، آموزش هم مثل دیگر ارکان زندگی تحت تاثیر قرار گرفته و کمی لرزید، اما معلم ها با دستان توانمند خودشان با وجود تمام خستگی ها لرزه را متوقف کردند. از پشت میز های آهنین کلاس درس بلند شده و در گوشه ای از خانه های پرمهرشان، ادامه مسیر آموزش و پرورش را پیش گرفتند.

در شرایطی که انتظار می رفت اهمیت حضور معلم و اساسا نظام ا.پ در کشور بیش از پیش درک شود، شوک عظیمی بر نهاد پرورش دهنده این معلمان دلسوز وارد شد. ناگهان دانشگاهی آمادگی خود را مبنی بر خرید دانشگاه فرهنگیان اعلام کرد! هرچند باید از مهرشان (!) سپاسگزار می بودیم - که بودیم - تعجب کردیم که ما و شما چه ارتباطی به یکدیگر داریم؟ برایمان توضیح دادند که می خواهند برای راحتی دانشجویان فعلی و معلمان آینده گذراندن یک سری از دروس را مجازی کنند! گفتند قصد دارند معلم و دانشجو معلم کمتر در معرض آسیب های اجتماعی قرار بگیرد!

با وجود این همه مهر، نمی دانیم چرا وقتی درخواست کردیم بخش کوچکی از امکانات بلا استفاده شان را در اختیار ما قرار دهند، جوابی دریافت نکردیم.

به هر حال ما سپاسگزار بودیم! هستیم! و خواهیم بود! چرا که برخی از محبت ها چشم و چراغ "قلب" و "عقل" آدمی را خوب روشن می کنند! نیمه دوم سال تحصیلی دانشجویان هم مثل دانش آموزان و معلمان، به مدد پیامرسان های داخلی و خارجی گذشت، تابستان طی شد و رسیدیم

به نیمه شهریور ماه و معلمان، این بار زود تر از موعد با وعده ی تعطیلی در میانه سال تحصیلی - کار خود را آغاز کردند.

شاد، شاد کردن بلد نبود و بیشتر دل می رنجانند. در روستاهایی دور افتاده معلمانی برای پر کردن آنتن تلفن های همراهشان از کوه و دشت و دمن می گذشتند. فرقی نمی کرد سرما باشد، برف باشد، حیوانات درنده باشد ...

جا دارد سوال کنیم کجا هستند کسانی که می خواستند معلم را از آسیب ها، به خصوص آسیب اجتماعی دور کنند؟

پاییز را پشت سر می گذاشتیم که خبر رسید وزیر محترم علوم طی نامه ای به مقام معظم رهبری -از جمله افرادی که بر جذب معلمان فقط و فقط از طریق دانشگاه فرهنگیان تاکید دارند - خواستند که این دانشگاه را از نقشه جغرافیایی دانشگاه های کشور پاک کنند و با استفاده از فارغ التحصیلان دانشگاه های دیگر و البته مطرح و پیشرفته تر (!) معلم جذب کنند. می دانم یادتان هست که باز هم تعجب کردیم. اینبار سوالات ما جدی تر بود. مثلاً این که آیا شما در جذب معلم از طریق ماده ۲۸ موفق بوده اید که اینبار می خواهید کل نظام آموزش و پرورش را از این راه تغذیه کنید؟ آیا دوستان قبلی که به این شیوه وارد کار پر زحمت معلمی شدند به حقوق خودشان رسیدند؟ آیا رضایت شغلی دارند؟

در این میان ما دانشجو معلمان بودیم که به این دانشگاه مهم اما مهجور خود می اندیشیدیم! به وظیفه مهم مان که انگار فقط خودمان، بعضی اساتید و تعداد اندکی از دیگر افراد متوجه اش بودند. عده ای هم می دانستند اما به روی خودشان نمی آوردند. این ما بودیم که با چنگ و دندان و با قلم هایمان از دانشگاه حمایت می کردیم.

می بینید که چه چیز هایی ثبت شده؟ چند سال بعد که از همین وقایع هزاران نوع تحلیل و کتاب و پادکست نوشته شده، ساخته شده و منتشر شود؛ مثل همیشه به رفته ها و کار هایی که می توانستیم بکنیم و نکردیم؛ آه حسرت نثار می کنیم...

یکی دیگر از وقایعی که باز هم از آن یاد خواهیم کرد این است که یک روز، در شرایط بحرانی کرونا به معلمان گفتند پای تعهد خودتان بمانید! گویی که نمانده اند. گویی افراد دیگری هستند که با عشق و نگاهی اندک به حقوق شان، کار تعلیم و تربیت را پیش می گیرند. جز عشق چه چیزی می تواند افراد را در این شرایط حفظ کند؟ هرچند گفتند که منظور ما معلمان نبودند اما در این مورد به خصوص فرقی بین مدیر و معلم نیست. اگر جیب خالی بود اما کار انجام می شد؛ سراغ چیز دیگری مثل عشق را نمی توان گرفت. بالاخره همیشه هستند کسانی که فراموش می کنند عده ای از حقوق معلمی ارتزاق می کنند.

همه ی این هایی که بی رحمانه پشت هم نوشتیم و شما خواندید تلخ بود اما فهمی با خود به همراه داشت و دارد. غم بود اما زیبا بود. غم اگر نباشد امید هم نخواهیم داشت. امید زاینده ی فضای اندوه باریست! رشد زاینده ی شرایطی است که ممکن است باب میل ما نباشد.

سال جدیدتان پر امید همکاران. برایتان شادی طلب می کنم، از جنس شادی کودکی هفت ساله وقتی برای اولین بار نام خود را می نویسد.

فاطمه محمدی

## در دنیای مک آلیسترها و گیل نولان ها تو کیتینگ باش

مروری بر کتاب "انجمن شاعران مرده"



کتاب "انجمن شاعران مرده" زمانی درباره ورود آقای کیتینگ، معلم ادبیاتی نوگرا به مدرسه ای است که فضایی بسته و قوانین سخت گیرانه دارد. با ورود آقای کیتینگ به مدرسه جریانات و تحولاتی در فضای مدرسه و زندگی دانش آموزان پدید می آید.

لذت مطالعه ی نخست بعضی کتاب ها، یک حس خوب و عجیب، مثل کشف مضامین نو یا دیدن یک ستاره برای اولین بار است.

در دومین یا چندمین مرتبه مطالعه این کتاب ها، حسرت مطالعه نخست، حسرت آن اکتشاف و التذاذ، همراه ماست.

کتاب "انجمن شاعران مرده" را می توان در دسته بندی این کتاب ها قرار داد.

### چرا این کتاب را بخوانیم؟

نگاه ظریف و ریزبین نویسنده، شخصیت پردازی خوب، تصویر سازی و توصیف مناسب، روند داستان که مخاطب را با شخصیت ها همراه و دغدغه مند می کند، پایان فوق العاده اثر گذار (چیزی که رفته رفته در دنیای کتاب ها، حکم کیمیا را پیدا کرده است) و نگاهی نو که کتاب به مخاطب خود هدیه می دهد بهترین پاسخ ها برای سوال "چرا این کتاب را بخوانم" هستند.

با نگاه معلمانه خواندن؛ لذت مطالعه این کتاب را دو چندان می کند. معلمان می توانند از این کتاب بیاموزند، ایده بگیرند و نمونه داستانی بسیاری از دانسته های تئوری خود را پیش روی خود ببینند.

شخصیت آقای کیتینگ، روح بود و روح بود و روح!

معلمی که شخصیت شناسی می دانست، روان شناس بود، شاعر بود، عارف بود و در یک کلام، معلم بود.

معلمی که هم دانش و مهارت دارد، هم بینش، هم نگرش، هم شخصیت.

معلمی که وجه فردی، اجتماعی و تاریخی دارد و می داند نه تنها آموزش که باید "تربیت" را پیش برد و تدریس و آموزش، تنها بخشی از تربیت است.

وجود تفاوت هایی در عقیده، بینش و فرهنگ بین دنیای ما و دنیای این کتاب طبیعی است.

زیرا کتاب در جغرافیای فرهنگی متفاوتی روایت شده و داستان در جامعه و فضایی متفاوت پیش می رود.

در یک این تفاوت ها بخشی از مطالعه و کتاب خوانی است و آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد، روح معلمی، آزاداندیشی و آزمودنی است که چون خون در شریان سطر به سطر کتاب جریان دارد.

به عنوان یک مخاطب معتمد، ترجمه می توانست مستحکم تر و قوی تر باشد. برخی قسمت ها ضعف هایی داشت اما در استفاده از اصطلاحات خوب عمل شده بود.

خواندن این کتاب را به کسانی که در یافته اند، زندگی چیزی فراتر از روزمرگی، و انسان ها موجوداتی فراتر از پیچ و مهره های سیستم های خشک و بسته امروزی هستند و به معلمانی که رسالت خود، یعنی تربیت را شناخته اند؛ پیشنهاد می دهم.

یک توصیه: پیش از دیدن فیلم انجمن شاعران مرده؛ کتاب را بخوانید. زیرا قدرت تصویر سازی ذهن و خیال شما چند برابر دوربین های فیلم برداری است.

Dead Poets Society



شناسنامه کتاب:

کتاب انجمن شاعران مرده

نویسنده: ان.اچ. کلاین بام

مترجم: زهرا طراوتی

نشر نیمروز

الهام احمدی

## ما کجای کاریم

نگاهی به نظام مسائل آموزش و پرورش



نظام آموزشی یکی از نهادهای بسیار مهمی است که تاثیر شگرفی در رشد فکری و اخلاقی انسان ها در جوامع دارد و باعث پیشرفت و نیل آنها به اهداف می شود.

این در حالی است که آموزش و پرورش در ایران مشکلات پیچیده و زیادی دارد که نیاز به تحول بنیادین برای بهبود آن احساس می شود.

در این بین رهبری تاکید فراوانی بر نقش اساسی معلمان در فرآیند این تحول دارند و بنا بر گفته های ایشان کانون اصلی حل مسائل آموزش و پرورش، معلمان هستند.

به همین دلیل برای ایجاد تحول بنیادین، نیاز است تا ابتدا در فرایند "تربیت معلم" بازنگری هایی صورت گیرد.

فرایند تربیت معلم به صورت رسمی از حدود یک قرن قبل آغاز شده است و سالهاست که با مسائل عدیده ای دست و پنجه نرم می کند.

برای حل این مسائل اولین و مهمترین گام، فهم عمیق و همه جانبه ی این مسائل، توسط نیروهای جوان و دانشجو معلمان است که به نوعی سردمداران ایجاد این تحول اند.

در این راه باید به این نکته نیز دقت نمود که نگاه سطحی به مسائل، نه تنها گره ای از کار باز نمی کند بلکه ممکن است تاثیر معکوس برجای گذارد، به همین خاطر، مسائل آموزش و پرورش را باید به مثابه نظامی پیچیده و درهم تنیده دید که هر جز آن بر اجرای دیگر تاثیر گذارند.

در همین راستا، تلاش شده است تا با مطرح نمودن عمده مسائل تربیت معلم، به بررسی اجمالی آن ها برای شروع این گفتمان عظیم پرداخته شود.

فاطمه منتجبی

## غیرانتفاعی

خصوصی سازی در آموزش و پرورش، فرصت یا تهدید؟



مصاحبه

مشخصات: آقای حمید رفیعی

معلم پایه ابتدایی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

دانشجوی نمونه بیست و هفتمین دوره جشنواره دانشجوی نمونه

وزارت علوم

جانشین بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

دغدغه مند حوزه تعلیم و تربیت

### - اهمیت مساله خصوصی سازی در حوزه آموزش و پرورش و پرداختن به آن در نگاه شما به چه میزان است؟

از مهم ترین و اثرگذارترین نهادهای حاکمیت؛ برای حرکت به سمت آرمان ها و انتظاراتی که دارد، در هر کشوری "تهاد تعلیم و تربیت" است. هر نهادی با آرمان ها و اهدافی شکل می گیرد و دنبال تحقق برخی از برنامه ها است. به همین دلیل ممکن است تفاوت های ایدئولوژیکی که بین گروه های مختلف درون یک دولت یا حاکمیت وجود دارد، این چالش را ایجاد کند که هر کدام از این گروه ها برای بدست آوردن نهاد آموزش و پرورش تمایل نشان بدهند. به عبارتی گروه یا افرادی که نهاد آموزش و پرورش را در اختیار می گیرند، می توانند در توسعه اندیشه خود و افزایش مقلدان، همراهان و یاورانشان از موفق ترین گروه ها باشند.

به همین دلیل غالباً حاکمیت ها؛ آموزش و پرورش را در دستان خود نگه داشته و آن را در اختیار دیگر گروه ها قرار نمی دهند. به همین سبب در جمهوری اسلامی ایران نیز، مطلوب است که نهاد آموزش و پرورش در اختیار انقلاب اسلامی بماند تا بتواند اندیشه انقلاب اسلامی را که از منظر ما اندیشه ی مطلوب و عالی است، اشاعه و گسترش بدهد.

اما متأسفانه به دلایل مختلفی جریان خصوصی سازی آموزش و پرورش و آموزش پولی در کشورمان از دهه هفتاد شکل گرفت و با شدت و حدت بسیار زیادی شروع به حرکت کرد. این جریان به حدی جدی بود که امروز، قریب به ده تا چهارده درصد از مدارس کشور و تعداد بسیار زیادی از دانش آموزان کشورمان مشمول این طرح شده اند. به همین واسطه و

به واسطه جریان توسعه خصوصی سازی، بر هر کسی که در حوزه آموزش و پرورش و آن گفتمانی که در این حوزه و قالب است قدری دغدغه داشته باشد؛ واجب است که با این جریان مخالفت کند و با مقابله ای جدی در این حوزه، برخی راهبردها یا اهداف و آرمان هایی که در حاکمیت از آنها یاد می کرده و شعار می داده را احیا کند. مسئله ای مانند عدالت آموزشی که به واسطه جریان خصوصی سازی، به شدت مورد تعرض قرار گرفته است. اگر عمیقاً به این مسئله نگاه کنیم متوجه می شویم که جریان خصوصی سازی که اتفاقاً گاهی با شعارهای عدالت آموزشی هم رونق و اشاعه پیدا میکند به جز لطمه زدن به آموزش، ایجاد شکاف و فاصله طبقاتی بین مردم به واسطه "آموزش"، عائده و محصول دیگری نداشته است. و این مساله با اتفاقاتی که در کنکور سراسری و آزمون های سراسری کشوری رقم خورده و در ورودی های دانشگاه ها مشهود است، نمود یافته. بنابراین ورود در این حوزه ضرورت دارد.

### - تعریف شما از خصوصی سازی ؟

به عبارتی، خصوصی سازی واگذار کردن نهاد یا جریان آموزش و پرورش به دست بخش خصوصی است. من معتقدم خصوصی سازی با مشارکت مردمی بسیار متفاوت است. ما ممکن است در آموزش و پرورش از مشارکت مردم، نهادهای مردم نهاد و اولیاء دانش آموزان استفاده کنیم اما در این صورت، مسئله آموزش و پرورش به آنها واگذار نشده یا اساساً به آنها سپرده نمی شود. بلکه آن ها در این فرآیند به مشارکت و همراهی می پردازند و غالباً این مشارکت، در راستای کیفیت افزایی است و به کیفیت افزایی هم منجر می شود. اما در مدل خصوصی سازی؛ این مشارکت غالباً در مدل مالی و گرفتن شهریه خلاصه می شود و این اتفاق، اتفاق مطلوبی نیست، بلکه به نظر می رسد یک اتفاق نامیمون و نامبارک باشد. فرآیند خصوصی سازی نه تنها مشارکت مردمی را در پی ندارد بلکه آن را به یک میزان حداقلی تقلیل می دهد، که بعد از گذشت مدتی آن هم از بین خواهد رفت.

### - به مشارکت مردمی اشاره فرمودید، اگر ممکن است، کمی بیشتر در این مورد بفرمایید.

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، توسعه مشارکت های مردم و خانواده ها در مسئله آموزش و پرورش از ضرورت ها است. در کنار این اتفاق در قانون اساسی تأمین شرایط آموزش رایگان برای همه دانش آموزان لازم التعلیم هم، از قوانین کشور ما می باشد. قاعدتاً ترکیب این ها؛ ما را به این نکته خواهد رساند که فرآیند مشارکت اولیا در جریان آموزش و پرورش، به مثابه خصوصی سازی و به منظور خصوصی سازی این فرایند نیست. بلکه این هدف و آرمان با هدف بهبود کیفیت رقم می خورد. و مشارکت مردم در ابعاد مختلفی مانند مشارکت های حرفه ای، فنی، فرهنگی یا حتی مشارکت های آموزشی در نهاد خانواده اتفاق می افتد. اگر به این نحو به این جریان نگاه کنیم مسئله مشارکت مردمی معنای حقیقی

وزرای سابق آموزش و پرورش خودشان مدرسه دارند و معاونین وزیر حتی معاونین وزیر موجود مدرسه دارند! این ها باعث می شود که نوع دقیق تصمیم گیری که عاری از دخالت های فکری یا بهتر بگویم، منافع شخصی باشد، رقم نخورد.

جدا کردن دانش آموزان خوب ما، دانش آموزان مذهبی ما، دانش آموزان فعال تر ما از مدارس دولتی به واسطه ترس خانواده ها این چالش را ایجاد می کند که وضعیت مدارس دولتی ما به سمت بدتر حرکت کند.

خودش را پیدا می‌کند. ما در این فرایند شاید مدل‌های مطلوب دیگری را هم برای مشارکت مردمی در قالب مدل مردمی سازی در نهاد آموزش و پرورش؛ در گذشته و دیرینه کشور خودمان و جهان اسلام شاهد هستیم. سستی که خود مردم حتی هزینه نهاد آموزش را تأمین می‌کنند؛ اما این جریان نه تنها بدون منفعت اقتصادی و بدون فرآیندهای بنگاه‌داری اتفاق می‌افتد؛ بلکه رویکردی است که برحسب وظیفه و دین شرعی اتفاق می‌افتد؛ که در این فرآیند هم نهاد آموزش و پرورش از حاکمیت جدا نمی‌شود. یکی از راهبردها و پیشنهادات ما در حوزه توسعه مشارکت مردمی و در بستر آن؛ عدالت آموزشی، توسعه فرایند مردمی سازی آموزش و پرورش و مشارکت مردم به جای خصوصی سازی این نهاد ارزشمند است.

### - آیا می‌توان گفت همچنان، مشکلات و کمبود منابع مالی، در آموزش و پرورش، دلیل اصلی روی آوردن به خصوصی سازی و برون سپاری است؟

بعضی افراد دلایل ورود به مسئله این مدارس و توسعه آنها را، کمبود منابع مالی قلمداد می‌کنند. در صورتیکه این اتفاق به صورت کلی قابل قبول نیست!

زیرا جهت جبران این کمبود، راهبردهای دیگری هم وجود دارد، اما به نظر می‌رسد دولت و جریانی که آموزش و پرورش را به این سمت برده، عملاً دنبال این است که این بار را از روی دوش خود بردارد.

قاعدتا این بار، فقط بار مالی نیست؛ بار پیگیری، بار پیشبرد اهداف و... نیز هست. به عبارتی نا توانی بسیاری از مسئولین منجر شده که بخواهند این گروه ارزشمند از دانش آموزان و فرآیند تعلیم و تربیتشان را به بخش خصوصی واگذار کنند. اما نیک می‌دانیم اگر این اتفاق بیافتد، به واسطه این که نقش پول در این حوزه مطرح شده و پول حرف اول و آخر را در این فرآیند می‌زند؛ افراد متمول می‌توانند با هزینه‌ای بیشتر فرآیند تعلیم و تربیت بهتری و یا حداقل نمره بهتری برای فرزندان خودشان؛ با استفاده از شیوه‌هایی مثل زد و بند و.. فراهم کنند.

در همین حوزه، در صورتیکه که به دنبال رفع چالش‌های اعتباری باشیم، راهبرد مردمی سازی و استفاده از جریان وقف؛ که به عبارتی نوع مشارکت مردم در حکومت اسلامی است و حتی توسط پیامبر (ص) به آن پرداخته شده است، می‌تواند بسیاری از این چالش‌ها را برطرف کند.

مدارس غیردولتی که ابتدا در قانون تحت عنوان مدرسه "غیرانتفاعی" بودند و قرار نبود مؤسسين آن‌ها از این مدارس سودی ببرند، بعد گذشت مدتی بر اساس قوانین، این عنوان "غیرانتفاعی" حذف شده و به "غیردولتی" تبدیل شد تا ای مدارس بتوانند انتفاع و درآمد داشته باشند.

این مدارس به این شکل و شیوه، به این جریان روی آوردند که دیگر نه تنها مبلغی به آپ کمک نمی‌کند، بلکه در قانون بودجه در قالب صندوق حمایت از مدارس غیردولتی؛ مبلغ مطلوبی برای آن‌ها در نظر گرفته شده و به آنها از سوی آموزش و پرورش کمک داده میشود. در برخی از این مدارس هم بعضی از نیروها (به عنوان محل خدمت یا مشارکت با آن فضا)، توسط آموزش و پرورش تأمین می‌شود. در صورتیکه برخی معتقدند که رفتن به سمت این که ما مدارس غیرانتفاعی و غیردولتی داشته باشیم باعث می‌شود پولی که آموزش و پرورش باید صرف این نهادها می‌کرد، دیگه این جا صرف نشده و در جای دیگری استفاده شود.

### - افزایش مدارس غیر دولتی یا طرح خرید خدمات آموزشی، کدامیک تهدید جدی تری برای نظام تعلیم و تربیت است؟

با توجه به چالش‌ها و مشکلاتی که برای مردم پیش آمد و مشکلات اقتصادی که قدری مردم را دچار بحران کرد؛ بعد از گذشت مدت زمانی، توسعه و جریان افزایش مدارس در کشور و مناطق محروم با چالش روبرو شد. دولت به دنبال این بود که بار این آموزش

و پرورش و بار مدرسه را از روی دوش خود برداشته و بر دوش دیگری بیندازد و اصلاً به مسئله اهمیت و کیفیت توجه نمی‌کرد، پس به جریان دیگری روی آورد، یا به عبارتی به دنبال ایده‌ای دیگر رفت. این ایده اساساً هویت آموزش و پرورش را در تیررس خود قرار داده بود و این نقشه به دنبال آن بود که جایگاه معلم و نقش معلم را مورد آسیب قرار بدهد.

در این شیوه که در قالب "طرح خرید خدمات آموزشی" از آن یاد می‌شود، دولت یا آموزش و پرورش مبلغ ناچیزی از آن پولی که قبلاً برای معلم خود هزینه می‌کرد، به یک شرکت خصوصی می‌دهد و آن شرکت خصوصی نسبت به تأمین معلم برای آموزش و پرورش اقدام می‌کند.

پیش از طرح خرید خدمت آموزشی، طرح خرید خدماتی در برخی ادارات گسترش داشت و نیروی خدماتی برخی از ادارات توسط یک یا دو تا شرکت تأمین شده و در مقابل به آن‌ها پول پرداخت می‌کردند.

اما این طرح وقتی وارد حوزه آموزش و پرورش می‌شود؛ اساساً ماهیت و جایگاه مسئله آموزش و پرورش را زیر سوال می‌برد.

به عبارتی جریان تعلیم و تربیت که کنش‌هایی جدی داشت و برای آن انگاره‌هایی متصور بودیم، با این طرح؛ تمامی این انگاره‌ها و مطلوب‌ها کنار می‌رود و فقط و فقط به معلم به عنوان یک کارگر ارائه دهنده اطلاعات نگاه می‌شود و حتی حقوق براساس قانون کار پرداخت می‌شود و میزان ساعت کار حدود چهل و شش ساعت در طول هفته دیده می‌شود.

قطعاً این فرایند آسیب جدی به آموزش و پرورش می‌زند. به نحوی که جایگاه معلم در نزد دانش آموز و خانواده‌ها از بین رفته و دیگر هر کسی حتی فکر می‌کند بدون هیچ آموزش و طی مراحل، می‌تواند به آموزش و تعلیم بپردازد. در صورتیکه که فرآیند تعلیم و تربیت یک فرایند پیچیده است. به عبارتی هم طرح خرید خدمات آموزشی و هم جریان خصوصی و مدارس غیردولتی؛ هر دو بسیار به مسئله حاکمیتی بودن جریان آموزش و پرورش و جایگاه فرآیند تعلیم و تربیت بخصوص "تربیت" آسیب می‌زنند. اما به واسطه چالش‌های اقتصادی که برخی از مردم دارند و عدم امکان توسعه مدارس غیرانتفاعی؛ به نظر می‌رسد طرح خرید خدمات آموزشی که در مناطق محروم هم اتفاق می‌افتد؛ بسیار آسیب‌زاتر و خطرناک‌تر است.

به نحوی که این طرح باعث می‌شود شکاف طبقاتی که به آن اشاره شد، به شدت بیشتر شود.

و اجرای این طرح‌ها باهمدیگر، این شکاف را بسیار بسیار جدی تر می‌کند. به این شکل که ما برای قشر مرفه جامعه مان مدارس غیردولتی خاص را داریم با هزینه‌های بسیار زیاد، کلاس‌های آموزشی و امثالهم و مبتنی بر کنکور، در کنار آن در مدارس پایین شهر، همان آورده اولیه، یعنی معلم را که آموزش پرورش به آن کلاس‌ها می‌داد نداریم و معلم خرید خدمات، که تنها ارائه دهنده صرف آموزش است را داریم و این باعث می‌شود مدارس مرفه‌نشین جامعه و کشور آموزش مطلوب‌تر و دانش آموزان مستضعف ما وضع آموزشی ضعیف‌تری داشته باشند. این اتفاق آسیب بسیار جدی به کشور وارد می‌کند.

### - وزیر سابق آموزش و پرورش، طی صحبتی در دفاع از طرح خرید خدمات، راه نجات آموزش و پرورش را توسعه مشارکت‌های غیر دولتی دانسته و در این رابطه گفته بودند: (( باید به سمت خرید خدمات آموزشی برویم و این یک انتخاب نیست، بلکه با شرایط فعلی مجبور به استفاده از بخش‌های غیر دولتی در فرایند آموزشی هستیم)).

#### نظر شما راجع به گفته ایشان چیست؟

دولت و وزرای آموزش و پرورش شاید به واسطه عدم توان خودشان برای اداره جامعه و اداره جریان تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به دنبال این هستند که راحت‌ترین راه تعلیم و تربیت را با فروش و برون سپاری و واگذاری به بخش خصوصی دنبال کنند. عملاً این جریان‌ها یا افراد، بدون مواجهه عمیق با مسئله و بدون داشتن یک رویکرد جهادی، رو به

این سمت می آورند و با این اتفاق باعث می شوند که آورده های چندین ساله نظام جمهوری اسلامی هم بر باد برود و توفیقات لازم محقق نشود. به نظر من به راحتی و با بهره گیری از امکانات و راهبردهایی می شود نظام آموزش و پرورش را در وضع موجود، حتی با تعداد نیروی انسانی کمتری مدیریت کرد. اما این راهبرد و این ناتوانی در مجموعه آموزش و پرورش و گاهی تعارض منافع و تلاش خود آن ها، برای درآمد از طریق این مدارس غیردولتی، آنها را به این سمت می برد که طرحی مثل خرید خدمات آموزشی و توسعه غیردولتی ها را تنها راه حل مشکل آموزش و پرورش بدانند. در صورتیکه این اتفاق به نظر من، نه تنها راه حل نیست، بلکه یک آسیب جدی است که در آینده تمامی جامعه و کشور را دچار بحران خواهد کرد. اما دقت کنید این بحران و این چالش فقط در حوزه نظام طبقاتی و تفاوت فردی بیان نمی شود، این چالش و این ظلم صرفاً مربوط به مبحث آموزش و کنکور نیست، بلکه به نظر ما، این ظلم به دانش آموزانی هم که در مدارس غیردولتی تحصیل می کنند نیز تاثیر می گذارد و به عبارتی جریان تربیت و زندگی عادی این افراد در این مدارس دچار چالش می شود و با تکیه بر فشار زیادی که در این مدارس به کنکور می شود، اختلال های روحی و روانی و چالش هایی در زندگی اجتماعی برای این افراد پیش خواهد آمد که به خود این افراد و جامعه لطمه وارد می کند. لذا به نظر می رسد این جریان هایی که بخصوص با هدف درآمدزایی و با محوریت پول به دنبال جداسازی این فرآیند هستند، به سمت مطلوبی گرایش ندارند و حتماً آسیب زا خواهد بود.

#### سخن پایانی:

من سعی کردم به برخی از نقاط مهم این حوزه اشاره کنم. امیدوارم مورد قبول باشد و همه دانشجو معلمان و معلمان بتوانند با ورود به این جریان، مقابله با این اتفاق رقم بزنند. گاهی فهم دقیق، نگاه عمیق و مواجهه صحیح؛ دیگران را هم در این بستر با ما همراه خواهد کرد و احتمالاً دانشجو معلمان امروز دانشگاه فرهنگیان بتوانند در این حوزه به عنوان کنشگران اصلی نقش آفرینی کنند.

این سمت می آورند و با این اتفاق باعث می شوند که آورده های چندین ساله نظام جمهوری اسلامی هم بر باد برود و توفیقات لازم محقق نشود. به نظر من به راحتی و با بهره گیری از امکانات و راهبردهایی می شود نظام آموزش و پرورش را در وضع موجود، حتی با تعداد نیروی انسانی کمتری مدیریت کرد. اما این راهبرد و این ناتوانی در مجموعه آموزش و پرورش و گاهی تعارض منافع و تلاش خود آن ها، برای درآمد از طریق این مدارس غیردولتی، آنها را به این سمت می برد که طرحی مثل خرید خدمات آموزشی و توسعه غیردولتی ها را تنها راه حل مشکل آموزش و پرورش بدانند. در صورتیکه این اتفاق به نظر من، نه تنها راه حل نیست، بلکه یک آسیب جدی است که در آینده تمامی جامعه و کشور را دچار بحران خواهد کرد. اما دقت کنید این بحران و این چالش فقط در حوزه نظام طبقاتی و تفاوت فردی بیان نمی شود، این چالش و این ظلم صرفاً مربوط به مبحث آموزش و کنکور نیست، بلکه به نظر ما، این ظلم به دانش آموزانی هم که در مدارس غیردولتی تحصیل می کنند نیز تاثیر می گذارد و به عبارتی جریان تربیت و زندگی عادی این افراد در این مدارس دچار چالش می شود و با تکیه بر فشار زیادی که در این مدارس به کنکور می شود، اختلال های روحی و روانی و چالش هایی در زندگی اجتماعی برای این افراد پیش خواهد آمد که به خود این افراد و جامعه لطمه وارد می کند. لذا به نظر می رسد این جریان هایی که بخصوص با هدف درآمدزایی و با محوریت پول به دنبال جداسازی این فرآیند هستند، به سمت مطلوبی گرایش ندارند و حتماً آسیب زا خواهد بود.

#### - چه کسانی از خصوصی سازی نفع می برند و از این جریان حمایت می کنند؟

متأسفانه در حوزه خصوصی سازی بسیاری از افرادی که در این مدارس یا این جریان نقش دارند، یا در فرآیند خرید خدمات و غالب آن شرکت ها نقش دارند؛ از این جریان سود می برند و متأسفانه تعارض منافع به شدت دیده می شود. به نحوی که می بینیم وزرای سابق آموزش و پرورش خودشان مدرسه دارند و معاونین وزیر مدرسه دارند حتی معاونین وزیر موجود مدرسه دارند! این ها باعث می شود که نوع دقیق تصمیم گیری که عاری از دخالت های فکری یا بهتر بگویم، منافع شخصی باشد، رقم نخورد.

در این حوزه به نظر می رسد، این جریان و این افراد به این سبب و یک جریان خارجی یا جریان نفوذی به سبب گرفتن جریان آموزش و پرورش از حاکمیت، این فرایند را هدایت می کنند. و این مساله آسیب جدی و بسیار بسیار حساس و خطرناکی به آموزش و پرورش وارد می کند.

#### - مقصر اصلی کیست؟ چه کسی باید پاسخگو باشد؟

مقصر در این فرایند، شاید تمامی ما باشیم. که این قدر سکوت کرده ایم و نتوانستیم به یک سمت دیگری پیش برویم.

یکی دیگر از اهدافی که شاید امروز موجب شده که این فرآیند خصوصی سازی کمی رونق بگیرد، مبحث کیفیت مدارس دولتی است. قطعاً بسیاری از ما معلم ها که در مدارس دولتی مشغول هستیم اگر تمام تلاش خودمان را بکار بگیریم و وضعیت مدارس دولتی را به سمت بهتری هدایت کنیم، البته با اهداف و آرمان هایی که مدنظر خودمان هست و نه با شاخصی به نام کنکور؛ این وضعیت به سمت مطلوبی هدایت می شود اما در همین بستر و قطعاً مطالبه گری از مسئولین در راستای گسترش این فرآیند از درجه اهمیت بالایی برخوردارند و متأسفانه امروز شاهد هستیم بیش از مدارس متوسطه که در فرایند کنکور خودشان را تعریف می کنند و دانش آموزان به واسطه کسب رتبه برتر کنکور به مدارس غیردولتی می روند، در دوره ابتدایی با مدارس غیردولتی بیشتری مواجه هستیم. این مدارس خصوصی یا

## درست بنویسیم

### به سفارش فردوسی



راجع به درست است نه راجبه / راجب به

به معنی: در مورد، در رابطه با

بحبوه درست است نه بحبوه

به معنی: گیر و دار

بی محابا درست است نه بی مهابا

به معنای: بی پروا، شجاع

علی الحساب درست است نه الی الحساب

به معنای: به صورت بخشی از پرداخت یا

دریافت مزد و بدهی و مانند آن

اخبار دانشگاه

## مسیر، گامی به سوی تحول



دوره مسیر، به همت بسیج دانشجویی پردیس الزهرا زنجان و در تاریخ ۲۲ بهمن لغایت ۲۴ بهمن ۱۳۹۹، به صورت غیر متمرکز برگزار شد. در این دوره به تبیین اهمیت و ضرورت اجرای طرح تحول بنیادین و بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته شد.

همچنین به سوالات دانشجویان پیرو مسائل بنیادین آموزش و پرورش، سند تحول و سایر مسائل مربوط به حیطه معلمی، پاسخ داده شد. دانشجویان بومی به صورت حضوری در دوره شرکت کردند و دانشجویان غیربومی به صورت همزمان از طریق فضای اسکای روم در دوره حضور داشتند.

این دوره که با همکاری اعضای هسته رشد و کادر سازی بسیج تشکیل شده بود، شامل سر فصل های "معنا و ضرورت تحول"، "سند تحول بنیادین"، "تعلیم و تربیت اسلامی"، "نقش آفرینی دانشجو معلمان"، "سند ۲۰۳۰" و "هویت معلمی" بود.

آقایان دکتر صدیقی، عبادتی، شجاعی و خانم ها ملک علی پور و منتجبی از مدرسان این دوره بودند.

این دوره به مدت سه روز از ساعت ۱۴ هر روز تا ۱۸ برگزار می شد و پس از آن از ساعت ۲۰ تا ۲۱:۳۰ دانشجویان به مباحثه پیرامون مطالب و سوال مطرح شده، جمع بندی و ارائه خلاصه نکاتی که در کلاس ها فرا گرفته بودند، می پرداختند.

در مجموع ۸۶ نفر در این دوره شرکت کردند که ۷۰ نفر از آن ها موفق به دریافت گواهی دوره شدند. مباحثی که در این دوره مطرح شد، دانشجویان را به رشد و دغدغه مندی سوق می داد. اساتید به تبیین اهمیت و ضرورت اجرای طرح تحول بنیادین پرداختند و به سوالات دانشجویان پیرو مسائل بنیادین آموزش و پرورش، سند تحول و سایر مسائل مربوط به حیطه معلمی، پاسخ دادند.

ساحل منصوری



طنز

## چگونه معلم موفقی باشیم

برای معلم موفق شدن راه های بسیار زیادی وجود دارد، اما برای معلم موفق شدن در فضای مجازی راه کارهای زیر را پیشنهاد میکنیم:

## ۱- اینترنت پر سرعت تهیه کنید

در ایام کرونا فقط نت پر سرعت جواب میدهد. میتونید به سر کوچه وزیر ارتباطات نقل مکان کنید زیرا شنیده ها حاکی از آن است که آن طرف ها نت خیلی خوب کار میکند.

## ۲- خوشگل باشید.

آن بچه های بیچاره چند ساعت صورت شما را از نزدیک می بینند طوری نباشید که از دیدنشان وحشت کنند. کرم سفید کننده اگر جواب نداد لاقل از فیلتر های گوشی استفاده کنید. در غیر اینصورت با شماره گیری ستاره یک مربع بسته زیباسازی ویژه معلم را دریافت کنید و از تخفیف ویژه این آگهی برخوردار شوید.

## ۳- به اعصاب خود مسلط باشید

سعی کنید آرام باشید و آن هنگام که دانش آموز برای بار صدم یک چیزی را می پرسد و هر وقت شما جواب دادید می گوید اینترنت تم قطع شد و نشنیدم، لطفا اعصاب خود را به هم نریزید و آن تبلت بیچاره را پرت نکنید. اگر هم خواستید پرت کنید اول سری به قیمت گوشی و تبلت بزنید از انجام این کار قطعا پشیمان خواهید شد.

## ۴- سنگ دل باشید.

نسبت به فوت اقوام بچه ها برخورد خنثی داشته باشید. با توجه به این که دایی و عمه و مادر بزرگ های بچه ها برای بار دهم است که به رحمت خدا می روند دیگر احساساتی شدن شما کمکی به آن ها نخواهد کرد. البته قبل از ورود به هر مقطع به بچه ها یاد آوری کنید هر انسان فقط یک بار می میرد شاید به ابتکارات دیگری در پیچاندن شما دست پیدا کنند.

## ۵- سخت جان باشید.

شما باید آنقدر سخت جان باشید که خود جان سخت هم پیش شما کم بیاورد. چشم هایتان باید شیشه ای باشد تا در برابر این مقدار نور گوشی طاقت بیاورد، اعصابتان را از فولاد درست کنید، گوش هایتان متصل به ماهواره و حنجره تان از جنس طلا باشد، اگر به این موارد دسترسی ندارید یک بسته رنگ مو تهیه کنید تا هفته ای یکبار به موهای سفیدتان بزنید. تا اصل دوم که خوشگلی است را رعایت کنید. در آخر از اینکه هنوز زنده اید تقدیر و تشکر به عمل می آوریم و این را بدانید مسئولین تمام تلاششان را کردند تا شما را از پا در بیاوردند اما سمج تر از این حرف ها هستید.

صنم یاوری



دومینامه خبری فرهنگی و اجتماعی مبعوث

شماره ۱ - اسفند ۱۳۹۹  
بسیج دانشجویی پردیس الزهرا (س)  
دانشگاه فرهنگیان زنجان

مدیر مسئول: سیده عاطفه غدیری

سردبیر: الهام احمدی

طراح جلد: فرشته موذن زاده

هیئت تحریریه: سیده عاطفه غدیری، الهام احمدی، ساحل منصوری، فاطمه

محمدی، فرشته موذن زاده، فاطمه منتجبی، صنم یاوری

عکاس: سمانه خان احمدی

نشانی: زنجان، خیابان شیخ فضل الله نوری، رو به روی دارالقرآن کریم،

دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا (س)

ایمیل: talayehdar110@gmail.com